

تصمیم به نوشتن
کتابی برای پدرش
که سال ۱۳۹۱
منتشر شد

ساخت اولین
وبلاگ که هنوز هم
آن را به روز می‌کند

اولین سفر به
عتبات عالیات
در زمان صدام و
نوشتن سفرنامه

حضور به عنوان
ناظر شورای
نگهبان سر صندوق
مدرسه قدس

عضویت در ستاد
انتخابات مرحوم
ری شهری در حالی که
هنوز حق رأی نداشت

تحصیل در مدرسه‌ای
که کنار کتابخانه
عمومی بود و حسین را
کتابخوان کرد

آمدن سارق به منزل و
رد ترس و ناامنی در دل
حسین و مادرش

اوج داغداری در
رحلت حضرت
امام (۱۴ خرداد)

سفر به
همراه با
(آیان ماه)

۱۳۸۸

۱۳۸۳

۱۳۸۲

۱۳۷۸

۱۳۷۶

۱۳۷۳

۱۳۷۱

۱۳۶۸

۱۳۶۵

بسندگی‌اش گپ زدیم

رسیم!

در روایت‌ها تغییری هم دادی؟

برخی اماکن و برخی اسامی را تغییر دادم که راوی‌ها شناخته نشوند ولی همان روایت خطی را طبق گفته راوی‌ها نوشتم. من زمان بندی داشتم که کتاب به روز پدر برسد که شکر خدا به همت آقای قزلی، رسید.

روایت خودت هم در کتاب هست؟

بله. حتی اسمم را هم عوض نکردم؛ یعنی همان روایت «حسین پسر علی». یک هفدهم این کتاب برای من است. یتیمی، یک اتوبان است که همه در نهایت به آن می‌رسیم. فقط آغاز مسیرها متفاوت است؛ برخی از کوچه ۳۶ متری می‌آیند و بعضی‌ها هم تا در را باز می‌کنند می‌افتند توی اتوبان.

روایت بی‌مادری هم امکان دارد که خواندنی بشود؟

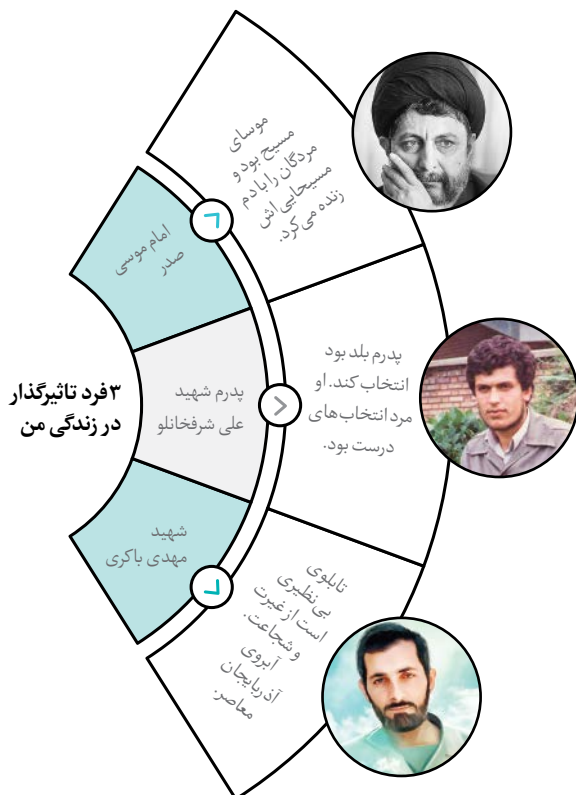
اگر کسی پیدا بشود که تجربه فقدان مادر داشته باشد و به شرط این که روایتش مثل هاج زنبور عسل نشود و مصیبت‌نامه ننویسد، حتما کتاب من را هم کامل می‌کند و می‌شود یک دوگانه جذاب.

مسیری که با این کتاب‌ها پیش آمدی چطور بود و با همین دست‌فرمان ادامه می‌دهی؟

من اگر به ۱۰ سال قبل که اولین کتابم منتشر شد برگردم، باز هم همین راه را می‌روم؛ با این تفاوت که الان تجربه‌ام بیشتر از ۱۰ سال قبل است و سرعت کارم بالاتر می‌برم. معتقدم ما مکلفیم به انتقال این روایت‌ها. هنوز قصه‌گویی انقلاب شروع نشده؛ چون خیلی از روایت‌های دست‌اول گفته نشده‌اند. هر وقت اینها تمام شد، می‌رویم دنبال داستان و خیال‌پردازی. اما الان زمان درست‌نویسی و واقعیت‌نویسی است.

این کتابت که انقلابی نیست؟

مگر ما قبل از انقلاب، روایت‌نویسی داشتیم؟ بعد از جنگ جهانی دوم، غربی‌ها شروع کردند به روایت‌نویسی. این اتفاق تا قبل از انقلاب در ایران نیفتاده بود. قطعاً اگر انقلاب نمی‌شد، آدمی مثل من جرأت نمی‌کرد روایت‌های شغلی‌اش را بنویسد. اصلاً معنا نداشت یک کسی در خوی، درباره مردن‌ها بنویسد و بشود کتاب «قصه قبرستون».



۳ فرد تاثیرگذار
در زندگی من

برنامه آینده‌ات چیست؟

نوشتن خرده‌روایت‌ها از آدم‌هایی که هیچ رسانه‌ای ندارند اما اتفاقات بزرگی را رقم زده‌اند.

